

موضع آنستیت "دیواره" افکن

”اکٹوپت“ و مسالہ ”اکلیت“

اما بعثت جریکی نور کوشید تا آنچه که می تواند در
مکان این پروردگار باشد، طرقیان گیری در هشتاد
مختلف از اصله های این روش، طرقیان در حقیق عصوب (راه خاص)
آنچه از طرقیان راه طرقیان را در حقیق عصوب (راه خاص)
لهمیم (لهمیم) کوشید تا سازمان را از این طبق می خواهد که
بازاری خواهد شد، طرقیان را برخورد می کند، طرقیان را
سپس قدر می کند، طرقیان را از دیگران بودن، دوست سازان و
کارگردان، آغاز تراشان را درین بودن که برای دفع
از انسان بینت گشته و مقابله با این بودن

آنها گان داشتند زوال این بینش در عرصه جهانی
و در سازمان ما نه به علت شکوفائی مارکسیسم
لذتیم در سازمان و چنین کمونیستی ایران و نیز از
عیان و قتن شرایط عینی را بینه آن بینش پلکه به علت
نفوذ چند غیر اپورتوونیست در راهبری سازمان یا بوده
است.

از این نظر آنها در عالم بندار خود (بدون آنکه

قادر باشد عوامل عینی را درک نکند و بدن آنکه مبتولاند روند نفوذ و سکوافایت مارکسیم - لینهیم را پسندید، کسانی داشتند چنانچه رعیری سازمان از نفوذ "ابوروننس" مصنوع بماند نجات های نظریات چرکیز از ذوالی که تاریخ ایجاد کرده بود و حصول اعتلای جنیش نوادگی و اشاعه مارکسیم - لینهیم در

مشخص شوده است. میسر می شود این خود بازدیدشون و
میتوان ترین شاهد و معلمکار این عکس در هنر این
دسته از آنکه گذاشتند. امداده سلطنت این پیش از
ازمارانی که بعد از آن بروی مشخص کوئینز بوود و
با همراهی همینها پیوپون طبق کارگر و چشم توأمی
است نهایا در پیمان بردار کاری ممکن می شود که تئوری
آن را در پیمان، سازمان را داده اند تا مطالعه آن از زبان
آنکه این کار را انجام داده اند و همچنان مطلع باشند.
آنکه این کار را انجام داده اند و همچنان مطلع باشند.
آنکه این کار را انجام داده اند و همچنان مطلع باشند.

حال نعمورات این رفقا می توانست به عمل در آید.
سکه سازمان در نتیجه بینش آنان به سرونشتی دچار
می شد که گروه استدعا شده ایکی با آن مبتلا است.
سازمان تخلی مادی یک ایدئولوژی و بینش است و
میمیقا خصوصیات این ایدئولوژی و بینش را منعکس میکند
نمایارین شکفت است اگر کس خان کند می تواند با

پوشش میگفتند، هر دوی اینها باید در میان سازمان را میتوانستند کرد.
دیگر اینها از این سازمان استفاده نمیکردند و با این سازمان همچویه میگردند بلکه
بر سازمان درجه اولیه که میتوانند این سازمان را میتوانند کرد.

جالب اینکه اشرف دقافتی هم درست همینگوونه فکر کرد. او هم کهان داشت رسالت دارد با اعلام موجودیت خود به نام سازمان و با آزمایش زمانی (توسطه) از این پرونده استناد نمود. این پرونده مخفیتی نداشت. این اتفاق هرگز نفهمید که این شکایت از مبارزه اسلامی روزنامه ای را در وجه اندیشه‌نویسکار، ایست که این امور پوششی نداشت. از ای پای در آورده و این امور پوششی نداشت.

ویستکنی چشم پریکی را در سطح چهارمی هد
سوزوت این را بخوبی بلکه حاصل دام گشتنی و نوطمهینی
نمی باشد اما دستیندیده تلفاده می کرد و می کند.
به اعتقاد این افراد آنها همچنان که این عوارض موقت
بهره ازیزی ها و سختگشته را در این اثرات از "توطعه"
می بهترانه هر رفاقت دیگری با زبان زیرباری عملی خود را
به ان پیش از توپوگرافی اعلام می کنند.

اقليٰت

اگرچه سازمان موقوفه کرده است که نظرات افکاری در بارهٔ «بایان‌نامه‌های ایندیپندرانسیلیک» مطرح شده‌اند و تغییر داشتند، و ... در شنبه ۲۷ گیاراه اگرچه سازمان موقوفه با صورت ضمیره انتشار پایان یافت، اما همچنانکه سازمان را بر آن داشتند. اگرچه این امر موقوفه نداشت، این از سازمان موقوفه نداشت، این در این طبقه قرار نداشتند. حسابه مجموعه اینجاکیلی، هرگذام که چون خودن در این طبقه قرار نداشتند با زمینه ایندیپندرانسیلیک چشم چشیدند که پروپران متنده این امرات را ایجاد نمودند. این اتفاقات را اینجاکیلی «آغاز این امور این اندیپندرانسیلیک» می‌خواند. نظرات ایندیپندرانسیلیک شدت سازان متشکل شدند (آغاز) و همچنانکه این اتفاقات را اینجاکیلی «آغاز این امور این اندیپندرانسیلیک» می‌خواند. سازمان موقوفه با همه‌چیزها ساخته شد، این اتفاقات و شخصیت‌هایی که در آن موقوفه ایجاد شدند، اینها بسته به

سنته گذشته ۱۹۹۱ء می یاد

جذبیت کوینستی ایران که مدتی بود در نظر
اعلملرد یک رشته عوامل^۱ عیسی و خدیعه به هفده رنده
میگردید، ازان نگام که توانده با خاستگاه ایران زمان
کام واقع شد و پس از آنکه طلاق و طلاق روندی
توپیون در پیش گرفت، ناوان از درد و طلاق تاریخی
نموده از این راه با اینکه میگفتند که برخورده است و نیازهای جذبیت
دوستی از این اتفاق و هر چهارمین روز در داد و جذب
دسته برخانهای معین قدری میشد.

راه تحویل و اعلنا پیش گرفت. لیکن در همین
تاریخ تزلیگ از این محصول سر چهارمی بود،
که مجموع فرسایندگان برابر باشد
و نیز میتواند این محصول را که مجموع عدم
جیشی از این تزلیگ از این محصول را که مجموع عدم
کوکوئینی بود به آنها ترجیح کرد و پسندید که در
هر طبقه کوکوئینی خود را نمودار ساختند.

پورت و آنترسوس و آنتریم و داکاتونیسی
پورت و آنترسوس و آنتریم و داکاتونیسی
پورت و آنترسوس و آنتریم و داکاتونیسی
پورت و آنترسوس و آنتریم و داکاتونیسی

سازمان مهندسی پردازشی و نوآوری سازمان راه و شهرسازی در خصوص
ارهای طبقه اولیه با هدف تأمین
سازمان مهندسی پردازشی و نوآوری سازمان راه و شهرسازی در خصوص
ارهای طبقه اولیه با هدف تأمین

دروون طبقات را در خود منکس می سازند و
منکس انتقامگیری همراه به سلطه بودن این
با جنیش تودهای و به نقص آنها در جنیش
تستگی دارد. سازمان ما بر سر برآوردهای جنیش
تودهای : با بهرهگیری از دستاوردهای جنیش
جنیهای : با پذیرفتن اندادخانه مجموع تجارت و
بادهای خود اینچشمگیر شد. نسبت به کرسمه

نهاد رو در میان این هرچهار بسته بازیگران -
و تطبیق هرچهار بسته با غایبیت های متتحول
بلیغات را در پیش گرفت.

سازمان
متخصص در تولید و توزیع مواد غذایی
و خودرو با پیشنهاد دیدگاهی که بود
تست و طی ۹ سال بر سازمان چهار بود.
پس از آن بعد فلکسی آن معرف یونی ایندیا
نماینده ایالتی در این معرف مطاعت معرف
باشد. خلیف و غیره پورتی این
باشد. خلیف و غیره پورتی این
مبارزه مطاعتی با دری انحرافی ای انتقال مبارزه

دز و چوچتوی تایمیه و غیری پولوچه و
آن را باطله داشته و سعده کردن نمی‌
تواند همانند توها در
الات با خود ساخته و غیر اموی خواهد
بود. اگرکه اعمال خود را مسلحانه باز
نمایل باشیم با درک و غلظت اخیر اغلب از
شرایط دفعی و راهنمی نایاب متفاوت به بالکنی
و قوه، منش پهلوی خود گذشتند و
مشتی بوده است.

نخستین بار در سال ۱۹۴۵ میلادی توسط جان دیکسون کلارک از این نظریه پیشنهاد شد. این نظریه بر پرست و راتنک متحول نوادگانی میتوانند و در نتیجه ایجاد آزمایش همراه با آزمایش هندیم چندین کومنیستی از جمله این عوامل رشد پیشرفت خود را در آغاز تلاش در جنوب چاهانی کومنیستی، سکستنی پیاوی و سکستنی ایوان را در جنوب کومنیستی ایران، ایجاد کنند. در نتیجه کوکوئید-پیشیدنده دامی و چند افتادن از طبله کارگر و دودمه است.

کوپوسیس، جای میگردید. این ابوروسوم همچو معنون آوانتروسوم انقلابی و مارکسیسم - نیمیسم دریافتی فاصله است. انقلابیگری خود موروزیست، قبل از اینکه یک سند باشد. بل از اینکه یک سند پیشاند، قبل از اینکه یک سانچی برای مسائل عملی و تحقیقی ایجاد شود.

ما قبل از این رفاقت اتفاقی تخلیل خود را از
حکم‌گیری اراده نهادند و قبل از آنکه کنک خود
را در برابر این مسخر شخص سازند، همین دیدم و بدم
آنها شاهدند. این رفاقت این روزی مانند این
تعمیم نداشتند. اما با قابل مطابق بودم و
آنرا توانم بخواهد. حکم را بر بینش داشته از رفاقت‌های
موجود. شام را شاهدند همچنان‌چهار طبقات را علیه
راسته و فراموش خواهند بودند و عالم خواهند گردند.
حکومت شاهد بودند بجزئی از تکراری و دوست به
آنها بیامیم.

مگر این است. دهنهای در رو که مینم: «حقیقت
کنک را در درباره مسخر شفت نکرد؟ مگر او هم
نکرد. این این خوبی سه ساله ساده است. جامه ما بای
جامه ای داشتند. داده و داشته است هر چونی هم می‌کند
آن را بخواهد. این رفاقت ای این روزی بخواهد گردند.
آنچه شاهل از اسلام روابط داشتند و بینا و بینا و پومن

۹۰ کارها و اعماق زمان را در بر گرفت. نخستین پلتوان زمان نکست آثاری بود برا آن بینی که ۹۱ سال پر زمان مسلط بود.

پس از مونو در تئاتر مردمی مشخص که در پنجم شکل گرفت، تبعاً مردم مکریت که اصول نظری و پنهانهای بینی گذشته زمان را قبول داشت و اساس

جزوه پاپخ به اشرف را که بینادهای بیشتر گذشته را
نقی میگرد، قبول نداشت، به علت سمت گیری نوین
سازمان از مرکزت استعفا داد و وزارت امنیت خود را
علی‌گردد توصیمهای و تذکرات مرکزت رها ساخت.
بعد از این‌وقایع و فظایل که هر یکی به تحوی از انحصار
بینش گذشته را قبول ناشنید، در قالب "اقلبت"

مشکل شدند. آین رفاقت اما روزگار حاضر نشده حتی بک
جمله همراه با اساسی ترین و اصولی ترین مسائلی که
به بنیان های فکری ما باز می گردند، و موضعگیری کنند.
رفاقت اقویت هنوز هم بسیار پیش برداشت که شکلگیری
اقویت و اکتویت در زمانات پیش از دادن و پذیرفتن

امول ابدولولوژیک و مانی مارکسیم داشتندام.
وقایع تصور می کنند که بدون داشتن بینادهای واحد
ابدولولوژیک می توان ذر ناکنک و برنامه به موافع رسید
و حدقت شکلکلات کوشمنستی را تامین کرد. و بر این
اساس از سازمان خودخواستند که قتل از هر چیز به سطح
مریبوط به برنامه و ناکنک ببرداشند. اگر کشور در برای

آن نگرش عنوان می کرد که ممکن است ها در عمر کوتوله
جهزی به یک رشته پژوهی های علمی و تجربه شده
جهانشول هستند که در گلوب خود و نام هارکیوس
لینیس شناخته می شوند. صحت آن نتویر شده سنگی
به آن با آن بر این روابط متصفح ندارد، شعری های است
علمی که صحت آن در جرجیان تاریخ طوفانی ای مارواره

طبقات در جوامع مختلف به انتبات رسیده است و مان
ایقان علمی به صحت این تئوری‌ها آنها را برای
تحلیل شخص از اوضاع سخت، برای تعیین وظایف عالج و
تدارک و انجام انقلاب رولانداریانه به کار نمی‌گیریم.
بدو توجه باشندوری اسلامی، انتقال غیر ممکن
است و از نظر ما مسایل عام شیوه انتقال دستگاه همان

است که توسط بنیانگذاران سوپرالیسم علمی، مارکسیست، اکلیس و لین بنیانگذاری و شوربزی شده است. انقلابون گونیست در عصر ما نیازی به کشف مجدد آن را نیزیها و آزمودن مجدد محنت آنها ندارند. ارگانیک در جنس گونیست مان کاسانی وحدت احادیث که بحث و حقایق تاریخی آن اصول احادیث متعدد که بحث و حقایق تاریخی آن اصول

و تئوریهای علمی را پذیرفته باشد، اختلاف نظر بین ما و جریان‌های گرایشی و انتزاعیونال جرجیکی که آنکو روزهای احساس را می‌گذراند، دفعه‌ای منتهی است رد با قبول همان تئوریهای عام تجربه شده‌ای که به اعتقاد ما باید دستورالعمل تمام کوئیستهای در میازره طبقات قرار گیرد.

بحث بر سر درستی یا نادرستی این با آن تأثیرگذار
مشخص شدند زمانی می توانید ما را به سوی نینجاهکمی
واحد و درست رفته همراه کرد که بین گزینش رشته اصول
تئوریک واحد و علمی حاکم باشد و مورد قبول قرار
گرفته باشد. بحث های اتفاقی دقتاً بر سر
پذیرش با عدم پذیرش همان اصولی است که بحث

آنها را علم و تجربه میارزیات بروولتاریا به اینها رسانیده است و شوریهای ما که ۹ سال با آنها بایدند مانده بودیم همان اصول را در گلیفت خود نمیتوانستیم کرد و بود. درست بر همین دلیل بود که ما بروزه تحکیم اصول با یاریگشته ام اهل اصول را طریق مکردم و رفاقت چون انسان همان بینش گشته را درست میپذشتند.

می خواستند به کنگ آنها بحث بر سر مسائل مربوط به
مردمانه و ناکنکار را به انتام رسانند.
از آنجا که سازمان هستی خود را در گروه
کوشش در راه تحقیق همان آماران خودی می داند که صدها
رفتار شهید مار در راه آن جان باخته اند، از آنجا که
ما در راه پیروزی و تحقق کویسم پذیراد می کنیم، پس

از همه موظفین نه با دست پایی هرچه سریعتر و هرچه کاملتر به خط و برداش مخفی و پاگشتوخ به شام مسالی هم و مخصوص جنیس، در راه تحقق همان آرمان گام بود رام. همچنانکه امازون و بوزیر بعد از پلنوم نیز در این جمیت تلاش گردیدم. رفاقت اقیلیت للاش دارند و آنند کنند که سازمان

بعد داشته است مسائل شخصی خوبی را رفعت نمود و بحث بر سر مالیات پنجه‌نشید که هر روز طبله و طوابظ مخصوص اقلاب پیوں کو نویسند داده است. حال آنکه سخن زامان هوازه آن بوده است که تا زمانی که بک رشته تئوری‌های عام و جهان‌نمود مارکسیست - لینینستی بوده بیول ما نیاند، بحث بر سر خط و

برنامه، تحلیل خاصیت، تحلیل موادی و سایر
هرگز به نتیجه واحد نخواهد رسید. رفاقت اقلیت است
تجھیز آینده به شکایت عنوان می کند که اکثر است
سازمان در حالی که بیش از هرجیز خواهان دست یابی
و تحکیم امور بود، پلاکاتیسم بدین پایان به اراده
تحلیل های مستخف از حاکمیت، موقعیت و غیره
سردیخت از این اتفاق ایجاد نموده اند. بود که در فقه

دربارہ ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت

”مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشد و بدانند که قدرت دولتی عطا در دست گیست، باید تمام حقیقت را به مردم گفت.“
لیس - در اطراف تعارفا

ار دادن بایت صرف و مطیع به سمله
درودست گفتند فخر و رفت و همچنان
دغدغه ای از آن شنیده داده که قدرت
دولتی خود را درین صرف و مسخر و سخن
مالی این بیرون دوست.
کاسیس شد راست و دستاله ای را که
موهاد و سمعت گوکورانه از همین
دلخواهی همراه بوده است
امروز پرسش ایشان آشکار شد و می خورد
سر این میان سال اینورتوسی
که سعی خارج از مردم را دارد از این درست
سازمان، نسخه کوشکی و
نودادن بایت صرف و مطیع به سمله
سازمانی راهی خدی برخاست.
عالله رونس گلی خود را در
حکم می خورد و از این دهم و سی هزار
مدفن آن را در روی داده و در آن خلو
پنهان و خواهیم ساخت.
که از برخی ترک طبقات ایشان
سازمانی ای امر که از میان ساندکان
کارکنان یاه مصلحت بتوانند
پرداخت کنند خود را درست.
سادسکان گرفت ای ایکار اساری
نماینگان می خورد و درجه ای از کتابخانه
طباطب و سایر کارهای انسانی
بر این طبقات خود را درست.
از ای ایکار که ای ایکار می خورد
هشتمان که ای ایکار می خورد

ت و کنکه را سری می‌بینیم. آن
و سرمهانه دارد و برخانه
که ای و آنکه هم موادی
سری لول حسن اندیلوک بک
نه مه میتوس و نه ناکد بر
خوار آن مارک دارد و ده می‌بود
حکم اصولی و دست یافته
سای اندیلوکی دارد. دست
نمی‌گرد. دست سایه ای
که ای و آنکه ای و سرمهانه
سرمهانه ای و سرمهانه و سرمهانه
دارد. در شبان ای و آنکه
هر چند هم ساعتی مارک
می‌شود در کنترل پیده
می‌شود.

چرامبارزه ایدئولوژیک را علني کردیم

سخن: یک روز دوست ایضاً که نمی‌علم اینچه افراست دیگر همان

دندون باسچ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام طبقه است؟ و دولت بد عسوان امیراً سلطنه طبقاتی از معاشر چه طبقاتی دفاع می‌کند؟ نه تنها از پاگشخواری بد معاشر میرم جشن و شام و تماطل خود باز می‌مانیم، بلکه از دسر رکبی و ملا تکلیفی حاکم بر جشنش دام زده است. باشتهشه فریاد های جدی و حسناً سپاه بیری به منشی گویندی و جشن خود را در اینجا از دست داده است.

لیکن از هر همچو سلمون آن ایس که ماس
لطفی و صوبی به متنه دربر دوبلوی
آغاز شد. سویون ایس ایست متنه
که اینجا نیست. اینجا نیست کدام طبقه
نمایشی است؟ و دوبلو عشوای ایرانی خود
آنچه ایست اینجا؟ اینجا ضعایتی داده
که اینجا ایست ای ای ای ای ای ای ای ای ای
کاشیش موس مسخر و حام و بولج و مود
که ای
کلکلی کلکلی کلکلی کلکلی کلکلی کلکلی
لمسه دیگر خدی و خزان و خزان
لمسه دیگر خدی و خزان و خزان
لمسه دیگر خدی و خزان و خزان
لمسه دیگر خدی و خزان و خزان

چرا مادر زهای دیگر را علّنی ...

قید از صفحه ۳ صدیقه

تدوین: تعبی و پیشود خط و بزبانه
سایر: شخص مکرر و موالی مواطنه
امول: سازمانی با استناده از افراد های
تکلای: از این نوع و معلمی که دستور
از هر چیز و مثابه عامل تعین کنده
در افزار: مبارزی که نیز کوتاه مدت
اندیلوگیک نقش داشته است - معنی
در سیس: گرفتن روش آشنی مواده و
پایه ای از اینها برای ایجاد

سلسلة للطالع من اعمال طفلي - حل
وحلاله - امان - بايان - اغانى - دراما - ملحن
دراما كليب - دان - دان - دن - سون - توده - ملحن
وستوكى - دراما - دراما - دراما - دراما - دراما - ملحن
- سوي - اورتومس - اورتومس - اورتومس - اورتومس - اورتومس - ملحن
سي - دينك - دينك - دينك - دينك - دينك - ملحن
هيلان - هيلان - هيلان - هيلان - هيلان - ملحن
ادريان - ادريان - ادريان - ادريان - ادريان - ملحن
شبيه - شبيه - شبيه - شبيه - شبيه - ملحن
علي - كورن - ساربر - اندولوزك - ساربر - ملحن
مو - ملحن - اگرانت - اگرانت - اگرانت - ملحن
مرکب - مارزه - اگرانت - اگرانت - اگرانت - ملحن
وستان - اهلی - عدو - مولود - عدو - مولود - ملحن
ما - ابراه - اندولوزك - ابراه - اندولوزك - ملحن
ولسان - ولسان - سان - سان - سان - ملحن
ايدولوزك - سان - حم - ايدولوزك - سان - ملحن
ولسان - ولسان - سان - سان - سان - ملحن

اپریوستنی در اندسته کشته مرکبی
سازی این سلسله هستم اما هنگام
این آپریوس لسی را فرا موش می کنم که
- حتی شیوه‌های نهادنگان می‌مکاریم
خود را به سوگواری بخاطر این
اعتنیاشن تکریتی - تردید و می‌اعتفای
ید امکن محدود باشد - لیکن
مایه‌ستیت این راه رشته‌های طبقاتی این
مدیده اجتماعی را جستجو

یقای "کسه مرگی" به دلیل هنوز دارای موضع ساده‌گری است اهداف و حریمان‌های عدود و حاکم مذهب طبقای آنان سند و سما کم از پهلوانی و درجه آن ایجاب و وزردمند. نامهای رسانید و رسانید. یا یک‌ها از این لحظه "بد آن لحظه" و

پیغم به شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط اقتصادی را بر آن چشم دارد. با مبارزه ایدئولوژیکی خانگی کمونیست ها منورک و سازماندهی بکار گیری تاثیلکنندگان در گذشته باشگاهی و مساله های امنیتی همراه باشند. پیشنهاد را نسبه اراد اصولی جمهوری اسلامی ایران اخراج آنها در میان راهنمایی بوجود اموالی مست دین.

سیه و سیلهای برای شناساندن هویت
سازمان در مطح حنث کمپونیتی
درجه دخت تثب طریق موثر مبارزه
با ابورونیتی و دیربرونیتی و تثب
ما به شمار می آید. مارزه ایدنولوژیک
گردید و نگاه گرد هوا در آن و نیز شام
ی ایران برای سازمان ما نقش مهمی

که بپیشنهاد خود آنان تصویر شده بود و به این ترتیب با زیر یا هنرمندان هرگونه پرنسپ کوئیتی بحران را در همه ابعاد و زمینه‌های باید شده به درجه افحار آفریز رساندند. معمولات لامونی که مقرر داشت های شکل اگرتو سهای نظرات طی وردنهای مبارزه اندتو لوزی و تعیین تکلیف گروههای های سایی

ما در پژوهش جنین عنوان کرد
حداد سیاسی حاکم بدد از قیام،
جنین دو هیجان را در درجه
استراتژی سیاسی و وظایف میرم و
گردد و از زبانها ماهیت و صورت
توسیع کوشش است از این
برسانیم. ما این خط و برینام
پیشبرد میاریم که این روزگاری
طبقایان ده به انتشار جهانی
اختلافات موجود باشد، اعلام کر

لوراکوونز. در کنگاره که همس
سایپا می باشی سکلر سود از اراده
هرگز خالص و موکب نموده
مورد نظر من داشتم زمانی و در مرد
که بخوبی خود را معرفت نمود
سایس - شمعی و زریعه ساده مسرب
کارکرد. مادرانه خالص
پوشیده بودند تا اینجا
مکرری شده باشد و این درجه زیستی
مطرب خود را درین کارکرد رعایت ام
آنچه این امور را کنیکل کند
و آن را عجیب نماید.
آنچه این امور را درین کارکرد
و پوشیده باشی از این امر می خواهم
بر عالم امداد شد همه شاهزاده های
ملحق شواهد می سخن و می می خواهند
از حاضر میرکنند. این اعلیاء
که این امور را می خواهند شفاهی ای
زمانیان و مردان سا به طرز میرکنند
کنایه ای داشتند. این
درین اموری سازمان مان ملته بودند
که این امور را درین کارکرد و خود
کرسن اندیختند. زریعه ساده مسرب

سایی به بک سای، ایدیلوژیک حداقل
بارکیست - لیستی (!!!) متول
دراز و براز پنهان کردن طرفات راست -
روزانه خود از برخورد مشغص با سائل
برنامه و تاکنیک به سهانهای مختلف
ظرفه وفت.

فاطمہ خاوری وجود دودگاههای
نحوی در نهضتی را پیشوند. اینا در مآلات
پیشی برداشت، معلوم شدن که ملتبس
مالی هزاران را در پی باد و اینی
جذابیت کشته اند از حباب ایمانی
برای این مضمون کند و ملاعنه امده
کرده اند. این وحد اخلاقیات
نحوی در جمیعت و از ایجاد و سرابید
نمودن ساره طفیلی، کارگران و
سرور و رهبری آگاهان ۱۵
ایجاده کرده. در حقیقت کسنه

مدد دهد و آن استعفای را که در
مدد مغلی رای گیرس دید که
بر اکاسیتی در ساربان بوده ابتدا
نخستین کوکه و در مطلع سکلاب
دمع و تریوم خیزد. سو ماموری
نموده سرمه و مکری
نموده باز همان مکری
نموده باز مارکن ساره اندیشورک
نموده. عدم ذراک دالک و
اصحاب ساره اندیشورک ساربان
نموده طبقاً ۱۵۰۰ میهم

بوروگانی که ممداد به صور مبارز
ادنوتولوکس می‌باشد مبتکران مسلط به
مرگ ساربان باریک داده اند آنها
همچو خود را درین میان می‌گذارند
نمودند و سائل سلکلاین سوده ملک
پسر رئیسان اندنوتولوکس می‌باشند
معنی آن در میان اسلامیان
همچو مبارز اندنوتولوکس و در میان همایون
شدنی و ایکس درود ایمانیان
ست گزی که در مزاره اندنوتولوکس باشند
کشکر سارهای ساربان و ماسه و مصادر
همچو سارهای ساربان و ماسه کارکنان
گردند. بوست کشنه معاذنی که باست
اهنگ ای هرچهار گزی که در داده دند

راست ای سک، دیدم اینکه
سازمانی وارد ایگانش شد
مکانیک ای - و - میخانه
محروم شد مخصوصاً بارهای
در این سیره ای اینکه باید
سامانه ای را درست کرد
که این راه را میتوانست
مکانیکی ای اینکه مخصوصاً
در همان ساخت ای میتوانست
آنکه در این راه را میتوانست
بنیان چشم خود در دونوں اینکو
کرده ای - اقدامات نیزه اینکو
مکانیک ای - میخانه
ساخته ای مخصوصاً بارهای
که این راه را میتوانست
که این راه را میتوانست



رفقا

بورسی بروسه، مذاکرات ما با کمیته، مرکزی بپرا مون مبارزه، ایدئولوژیک علتنی نشان میدهد که علیرغم کارشناسی ها و فرهنگ رفتن این رفقا از پذیرش و اجرای مبارزه، ایدئولوژیک علتنی و کوشش آنان برای بسته ویق اندختن این امر حیاتی، اقلیت سازمان، با تند پدمکرزمان تعیین شده، سعی نموده هرگونه تاکتیک و بهانه جوشنی از جانب آنان را، خنثی نموده و مبارزه، ایدئولوژیک را بطور مشترک علتنی نماید. هنگامیکه ماه م این امر موضع گیری مثبت نموده و کمیته مرکزی را زیر آنها فشاره ای قرار خواهد داد که مجبور به این پذیرش آن می گرد ده چنین نیز شده هنگامیکه کمیته، مرکزی دربه تعویق اندختن تضمیم گیری و اجرای مبارزه ایدئولوژیک علتنی اصرار ورزید، ما بز طبق نظرات اعلام شده خویش، اقدام به چا ب مقناله های مربوطه نمودیم، اما با توافق بعدی مرکزیت از انتشار آن خودداری کردیم تاریخ نشریه و تفاوت آن با زمان انتشار، خودگوای همین واقعیت است.

اما درست زمانیکه مقاله، مورد نظر مرکزیت که برای چا ب در ضمیمه "کار" آمده شده بود، بدست ما رسید متوجه شدم که رفقای کمیته مرکزی این تاریخ را در گلستانه ای، عملانه نفی مبارزه ایدئولوژیک علتنی پرداخته اند دلایل ما بطور شخص از این فارغ است:

۱- رفقای مرکزیت پرسنیب مبارزه، ایدئولوژیک بین دوچنای سازمان را در مقاله، خود بطور اشکار نقش کرده اند زیرا آنها رهمجا مقاله، مذکور از خود بینان "سازمان" یا دکرده اند، در حالیکه می باید بعنوان کمیته مرکزی وسا اکثریت سازمان (اکریتوان حقیقتاً بین رفقا را در جایشکه از هیچگونه تحلیل مشخص و منسجم از اوضاع منعی کنوش نشستند و با توجه به سنتگیری تفسیر و موضعی سیاسی شان، نماینده فکری اکثریت اعماقی سازمان بحسب آورده) مقاله نوشته و اظهار رناظمی کرده اند رفقای کمیته مرکزی و حتی چنان اکثریت سازمان، تمام سازمان نشستند، بلکه مجموعه اعماقی جناح اقلیت و اکثریت، کلیت سازمان را تکیل میدهند مفافاً اینکه بز طبق توافق، کمیته مرکزی تا تعیین و تصویب خط می سیاسی تنها در زمینه مسائل شلیلی سیاسی مجاز به موضعگیری بانان سازمان نموده است و نه در زمینه مسائل شلیلی - تزویجی در ضمیمه "کار" ه مانگان نمی کردیم که این بدبیهات و الغای حقوق اقلیت و اکثریت در بیک تشكیلات راه هنوز می باید به رفقای مرکزیت بطور مکرر یا دآوری نهایتیم!

۲- موضع مادرز مینه، اسلوب و طریق پیشبرد مبارزه، ایدئولوژیک برای همه اعماقی سازمان بحد کافی روش استه ما بارها درنوشته ها و گفته های خود مذکور شده ایم که مبارزه، ایدئولوژیک حول محور تحلیل حاکمیت، بروخود با سائل استراتیک و تاکتیک و شوری و پردازه کمونیستی، برای مادرای ارزشها شوریک و نیز سیاسی عملی بوده و یک امر اساسی استه دعوی ازان، بنظرما، بروخوردا پورتونیستی با مسائل تاکتیک و پردازه و ایجاد اخراج افراد مبارزه ایدئولوژیک بوده و غیرقا بلذیدریش استه بدبیهه است که در میان ما (اقلیت و اکثریت) بر سر از بیانی ضرورت و ما هیبت بکار گیری تاکتیک مسلحانه در گذشته اختلافات فراوانی موجود استه مبارزه ایدئولوژیک بر سر از بیانی مذکور تنها در جویان پاسخگویی به مسائل حاد و مبرم جنبش امکان پذیراست.

اما رفقای کمیته مرکزی سا علم به این نظر اقلیت و علیرغم بذیرش آن بطور مدوری و در حرف، در مقاله خود این تنهجه قبلی را زیربا نهاده و عملانه مبارزه ایدئولوژیک را بسوی محور بیرون دیا "مشی گذشته سازمان" سوچ داده اند به اعتقاد ما، این اقدام مرکزیت نه تنها نشان دهنده درک غیر اصولی آنان از مبارزه ایدئولوژیک و بیوند آن با مبارزه طبقاتی است بلکه ارسویدیگر بیانگر عدم احساس مسئولیت در مقابله جنیش سی پرسنیستی و تا دیده اینکاشن تعهداتی است که قبلاً مورد توافق بوده است. ما به دلایل فوق ذکر و نیزگرایش روز افزون مرکزیت به اپورتونیسم راست، درنگ در اجرای وظایف اقلایی خویش را جایز ندانسته و راساً مبارزه ایدئولوژیک را علتنی کرده و تبا می مقلاط قبلى را بی کومک است منتشر می کنیم.

"سازمان چریکهای فداشی خلق ایران" (اقلیت)

دروازه ترکیب و ماهیت طبقاتی

٣ صفحه از ۷ صفحه

خود را با عده و عدید و اطمینان
به امکان دست پایی به توانی با
نمودن مهارتی در این مهارتی در آن
در بهترین حالات از سرمهای دارای
برای بخش فوقایی کم عده تواندهای
خود اشتراک از ناهنجاری محدودی
گی برخورد. اما در مورد هر مسئله
تفصیلی، هر امر مهم، از مطالعات های
خردمند بوزرو^۱ میشهشم دنباله را
از خود بگیرد. اما در مورد هر مسئله
آنچه اول است مطابق درست

مادی سلطه امپرالیسم و بورژوازی و استئین شاهنامه را برداشتند. ملکت شاهنامه خود را نگذاشتند و مخصوص بادیگران اعلام کردند و بالاخره در مقابل کارگران از سرمایه داران را برای هفچانیان تهدید کردند. شهزادگان به غافلگردی خود را درخواستند. این حکمتوت از همان فرعونی دادگاه مجازی در دستگاه دولتی منع از انتشار و پروگرسی اسلام را داشتند. شهزادگان بورژوازی و بورگوکسی را از هماداران و سرمایه داران زنگ زدند. سرکوب شهیدرس و سازماندهی از اینها بیان شد. بورژوازی و حشنه شاهنامه ایلهای تحت حکم ایران ایوان را خواستند. شاه در حیث در کوشیدن دستواره دادگاه اطلاعات توشهای خود را علیرضا شاه را هدایا، مخدود کردند و با ایصال کردند که مذکور شد. آنرا از اراده خود ساختند. ملکت شاهنامه را بسته خود ساخت. بولوی لبس:

این گوییت در حالی که شیات
حسته خود را در پر بوده جملات
انقلابی پیشانی می‌دارد، هوازدی
بساطگی که راه مقدماتی انسان
نمی‌کارد. این گوییت کوتاه نام
دستگاه ماشین دلخواه (ارزش)، پلیس
و دستگاه اداری (کار) است. همان‌طور
با احتمال تکمیلی به بورزوایی محدود
نماید. گوییت جدید دست به کار
آن شده است که همه افرادی که
از اقدام انقلابی عملیات تهدیدی و

تجربیات انقلاب‌های جهانی به ده است که هنگامی که سران این سازش با هر نیت و قصدی که بماله رو بورژوازی تبدیل می‌گند و بازی، اسکنند.

تصرف قدرت از پایان به تو سطح مردم
که بگانه تلاش میکنند موقوفه های اقتصادی
آنها را میگیرند و اتفاقاً است زمانی که میگذرد
(لنس) و طبیعت اینها را بروزگاری (بلغلات)
همه این اندامات کار کردند در حیث
کمک سلطه خود را بروزگاری اس. آنکه اینها
نهسته داشتند و بروزگاری را شناسان
دوست داشتند.
اما اکنون باید سملههای برداخت
که بتواند در سنتی ما بروی این دیده
بسیار بسیار کند. این دیده
نموده بروزگاری را در اینجا مطرح نمود و
شواهی از اینها که بینی این دیده
در ارگان شارش قدرت واقعی علاوه
بر دست دستیست؟ آنها شارش ساختنگان
میگذرند و بروزگاری را بروزگاری را
هر سینی
میگذرند و بروزگاری را نمایند که
نهسته خود را بروزگاری را میگذرند.
مازیست - لسمیه به مایمود
ترجیمات اقلاغی های چهارمیانه
نهسته میگذارند که راه به اندام رسانید
که سران خوده
که بگذارند که سران خوده
با زیورآذیزی سازی کنند. که میگویند
نهسته باز بر نیت و قصدی میگذرد
نهسته باز آنها بر زانه و دناله و
بروزگاری تبدیل میگردند و در مسائل
نهسته و همچنین جان بروزگاری را
میگذرند. آنها در سیاست امنیت اینها
نهسته را فواید میگذرند و بروزگاری را
نهسته که خود را به سه روش رفته
نهسته را فواید میگذرند. لنس در این
روزه نویسند
دنده های خود را بروزگاری
گزینند که بنهایت آنها از
نهسته ای تسلیم دارند و هر چهارم
نهسته های خود را بروزگاری تبدیل

و مازاره اوج گیرند آنها، و مدهمی
عینی سازن بین بروز و مهیا
دزدی مورخونی هستن فراهم شد.
شدن طرق در آسایه مازار ساخت.
شکل گرفت و حاکمیت بدید آنکه
آغاز سازن شود، فرمان حاکمیت
که از طریق تربیت طبقات از نیوهای
واسطه به شتر فتوحات دزدی مورخونی
و نایابیان بروزدی و ایستاده
(عده) دزدی مورخونی مشتمل شد،
سه های جهاد، و میکار مذکون
پیش غلبه از سلطه ۳ ضمیمه

نمایندگان خرد بورژوازی نظری که از پی سوه مطابق خصوصیات طبقاتی و سوچووندی طبقاتی را با خود نمایندگی می‌کنند شان ابیزونیون بورژوازی متوجه و از درین گرفتاریهاشان دور بودند. عذرخواهی، عذرخواهی کلما تبریز، حافظه کار و غافل پیشگیری لازم بودند. همانی که در زمان انتقام نموده از دست آنها بودند و در آستانه نیزه کنگره ایلان بودند و حصول تاریخی را فرقه ایلان خود را تقدیم نمودند و در آستانه رادیو ایلان بودند. شدن در ورودی هنرمندان و هنرمندانه توانیدند و هر اتفاق اتفاق نداشتند و هر اتفاق اتفاق نداشتند. اغوش بورژوازی ایلان بودند.

دولتی علاوه بر دست بوزاری افغان
شدن طرق هنرمندانی که مردم در حال
برخرا کردن این اتفاقات را در حیاتان
سر جمله به پادگانها و مراکز سرتکب
می بودند سعدیان بوزاری ای
می گوشتند: «ای شاه، ای
پادشاه! را صاحب خند.» عزیز
خرد بوزاری با همین مشتی از این
رواه سارش با بوزاری را برگردان و
شانید و حسابت در دولت راگران و
خواری اغلاب می خواه به نکلی
ساعت آنرا و می خواهد اصلحت
مکنه در ازگاهها و سعادت‌ها روز
کشنه است. موقعاً ره ای در ازگاه
بوزاری ای عویض کند. اما در من
لحاظات فام خود اینکه تولد هم برخی
از حسابات و مدادات مرتبه است اقبال
سالست امیر بوزاری را موسی دارد.
صیغه ای از ازگاهها و سعادت‌ها بوزاری
وارد و در این راه تواند نهاده
بر این افتخار و می خواهد ایستاد.

... در آستانه قیام به علت فقدان صفت بندی طبقاتی شخمن، نقدان هرمون پروتولاری اسید جنین، نقدان شنکل و آگاها که توده ای نقدان سازمان های سیاسی انتظامی که با تهدید ایجاد خود در ارتقاء و پیوستن همچنان و تزدید داشته باشد، همچویات طبقاتی و شفیری همچنان و احتمالی اخراج اسماق غیر قدرتمند بروزوری در برایان توده ای و مازره ای احتمال رینده آنها، زنجنهای عینی ساخت بین بودجه ای و دهبری خرد بروز ای جنین را فراهم ساخت.

بیرونی و مکانیکی از همان روزهای نشسته
نگذشت. درست رسیدن خود بین راهی برجهنجه
کردند. آنها دنده فیام گام کردند.
کردن آنها میتوانست کارهای ساده‌ای را
آشامد کمال آنها را بسیار ساده میکرد.
کنده کنند و همچنانه باشد. میتوانند
سامنست باشند. میتوانند آنها را
با میاری از کارها و ساده‌های
خود را بزرگ‌تری از آغاز کرد. با

د. فارهه تکی و ماهست طبقاتی، ۰۰۰ بیان مسجد و مسیب

در حالی که رهبری، قدرت و اقتداری دولتشی ارگان‌های اجرایی را
بهرزآوری کردار داده و با نگاهی مکور خود از بورژوازی دفاع
کند و مردم را به فرماسیوندرازی از آن دعوت میکند، تنها قدرت صوری و
پاوه، ای ای خود حفظ شده است.

مدد. اما آنچنانی که در حامه ما
سالان ربار بک رسیده و کمال
واسه نمکوت مگر و مدادهای
مکرونی های روزگاری روزگاری
نمک و ماء احتلال امریکی
جی و ماء مودی مخصوص داده کنند.
اگر برای این اتفاقها و مدادهای آنها
سازمانی خواسته باشیم
این احوالاتی روزی مدعی مالمپیون
است. هر چنان آنچه امور و موهوم
در حامه ما به جسم یک مورد مدار است
دو مرگون. اما که می توانیم
عنی این فرق و خلله همراه خود راه
در حاکمیت سنت کند و رسیده باشیم
مدادهای درویش مکنه و پرسنی
و غیر معمولی مدار مدم این
حرمان اسلامی و ماسی مخصوص مدام
می شوند. اما سرتاسر این ماده
برگ و ماهفه روزگاری ارگان مدار
که از این مدار می شوند

بورزوایی سازش گردیدند و در
زوازی را گرفتند و نمی‌توانند
ی در سازش با بورزوایی وابسته
نمی‌شوند.

مشت و معوقت سروهای رشک کشید در
آن، کثیر بر سردهای ساقی مانند ماده در
آن سروهای اغلاطی همچو سخن و ملکه
آن حاکم و ساختمان ازین و علاوه بر
آن، هست بست آنها ازین اتفاق نداشت، بلکه این
ارگان است. اما امور در سرتاسر این
سروهای اغلاطی از مردم آنها کاهش
نموده اند و این اعتماد دارد و طبق معاشر
سروهای اغلاطی بوده اند خارج شرکی و
دوی و بلا و لایوس ملکه آنها کشیده
سازماندهی نوده اند با وجوده همچو همکار
پسران از این اتفاق نداشتند و درین اعتماد
آنها کاهش نداشتند و این اعتماد
که این اعتماد دارد و سخن و ملکه ازین
که می دستند و اعتماد ندارند و بروز از این راه
نوده اند و طبیعه سروهای
آنها اغلاطی است که با افتاده همچو
حاکم و ایکنی قدرت در دست
بروز از این سروهای اغلاطی است. توده هم را که سارند
از نو تهم و غرب بر هر داشتند و به قول
الله: «عدم اعتماده بکاره بروز از این
وطایف بروانایاریا در اغلب

فرموده بورواری سار ارگان
پارس آنلاین کرد. اکنون محتادهای
آنکوشن های بورواری و بورداری دو
ارگان ساری و آنلاین بوده اند.
بهر چندین بورواری در انتشار اراده
بپوشیده هدف دو همکوش اعلی
السرایها و سار جرس چوبی
آنکوشن های ساری مسود ترجمه ماهر
آنکوشن های ساری هر چند همکوشی
نم و مالت جوده را ایشان

مهار خوده بوری را مخوب و اعفونی نمی‌داند، اما برای اینکه می‌تواند در این ایام از این مهار استفاده کند، باید به دنبال آنها بگردید.

پاپ ایشان را غم و حسر
دھائی سر دارد و اس سعادت سر
آشکارا خود را سار مدد
اعلاوه بر اسکے شور سطور کامل از
نه طفای خوش خدا شدنداد
ای گرامیت حصف مدد امرالحسی

در این حاکمیت که از لحظه
کلیپ ملتفانی از شیروهای وابسته
قشر فوتوانی خرد و بروزگاری منتهی
نمایندگان بروزگاری وابسته
خدمات بروزگاری متوسطه شنکل
دست، پست ایجاد حساس و مرآگر مهم
نتنگاد دوامی علاوه بر دست
بروزگاری افتاد.

زدی در ازان مسیح در راهنمای مسیح و امارات و درود و حجاج مسعود که مکن آنها که مکن و مسعود که مسعود و درود و حجاج را در مردم شاهی اعیانی و سایر حفظ آمد اما کششی که این امارات با مسلمان‌ها در جامعه مسلمان‌داری شناختی شدند. موچ شکستش و مسعودی هایی که مسعود و حجاج را که ندیدند پس از موادی درود و موزویاری از اینها بودند و اینها در هفتاد و سه کارگر فوجی هی سر از سلاسخ روزگار خود را آورده بودند و لاتل مفعه مسعودی بودند. اما هر روز که مسعود کردند اینها به مذهبی خود را در می‌بینند. موچ شکستش و مسعودی هایی که مسعود و حجاج را که ندیدند پس از موادی درود و موزویاری از اینها بودند و اینها در هفتاد و سه کارگر فوجی هی سر از سلاسخ روزگار خود را آورده بودند و لاتل مفعه مسعودی بودند. اما هر روز که مسعود کردند اینها به مذهبی خود را در می‌بینند.

ی که رهبری، اقدام و اتفاق دولتی
ارکان های احرار اش را در دست
و اولی فرار داده و سانکدای مکرر
دار بوروزاری دفعه می کند و مردم

ر ازی در ارگان سارس در راهنما
ب و امسارات و مزد روحاں مسود
می کند آسها می کوئند ک
ز را و بره روحاں را در رسمه های
لاغی و ساسی حفظ کند اما

شیوه اس اسارت سامانه
تایپ در جامعه علم پزشکی
مکنی مدارد. موبایل مکنک و
ریهانی می سود. روحانی که
مشکلی قصر فوای خوده بورزاری
را برخیشد داشت و در رهبری

س فرار گرفت حتی سر از سارس
روزگاری در آرزوی تحقق ولاست فعده
مر می برد. اما هر رور که می گردید

ت می دارد. برخلاف تصورات واهی
و ته مرکزی و تحلیلی یا آنها در
کار ۲۵ دکمهای روحانی در

واعفت به سمع خرد بورزوگاری
به سمع بورزوگاری و ماسات موجود
دهندگان و بارهم خواهد شد.

۱۰۷ اینجا نا بد است بر بزرگ مسئله ای
ازم که به ویژه در رابطه ساخت
و نسخ رهیق در قدرت دولتی
و سلطنتی برخود را آست و آن
ماهیل شدن میں قدرت صوری و
واقعی است. و اینچندوند و
نه رهیق در میان تودهها و یکی
از این توده تودهای در قدرت واقعی
و انسانی ای از جهت در بود ماهیت و